

## در هم‌صدایی با بیانیه‌های اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران

توضیح: در زمانه‌ای که شاهد پیش‌روی لجام‌گسیخته‌ی سرمایه برای تحت سلطه درآوردن همه‌ی حوزه‌های حیات بشر هستیم، عجیب نیست که هجمه به محیط آموزش، دانش و علم شکل دهشتناکی به خود می‌گیرد و کالایی‌سازی همه‌ی عناصر حوزه‌های علمی در صدر سیاست‌ها و مقاصد صاحبان قدرت و سرمایه قرار می‌گیرد؛ و درست به همین دلیل در چنین زمانه‌ای فعالیت صنفی دانشجویان و مطالبات‌شان در مورد نیازهای روزمره، که حتی شامل خدمات غذا و رفت‌وآمد می‌شود، در شکل مقاومت علیه سیاست‌های کلان درآمده و به امری مطلقاً سیاسی بدل می‌گردد؛ همچنان‌که ایستادگی آنها در برابر سرکوب رویکردهای انتقادی در علوم اجتماعی و خنثی و مطیع‌سازی پژوهش‌گران این حوزه. بر مبنای چنین درکی، به تداوم و رشد اعتراضات روحیه‌بخش دانشجویان امید می‌بندیم و با اعلام همبستگی با آنها، دو بیانیه‌ی دانشجویان دانشگاه تهران را در راستای انعکاس پیام معترضان و منتقدانه‌شان - در قالب هم‌صدایی - بازنشر می‌کنیم. متن بیانیه‌ها از شبکه‌های اجتماعی مجازی برگرفته شده است.

پراکسیس

۱۸ آذر ۱۳۹۴

## بیانیه‌های اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

دانشجو هستیم؛

نه از اعضای تشکل‌های وابسته به گروه‌های سیاسی خارج از دانشگاه، نه از انجمن اسلامی و نه از بسیج، تشکل‌هایی که به‌جای خواست‌های ما، منافع و مطالبات اربابان خود را دنبال می‌کنند؛ و نه از نورچشمی‌های مسئولان و مدیرانی هستیم که دانشگاه را با بازار خریدوفروش دانشجو اشتباه گرفته‌اند.

ورود نهادهای نظامی، سیاسی و امنیتی به درون دانشگاه‌ها و ایجاد مؤسسات و دانشکده‌های موازی در ساختار دانشگاه استقلال این نهاد را خدشه‌دار می‌کند؛ این مؤسسات و دانشکده‌ها در بسیاری از دانشگاه‌های کشور نفوذ پیدا کرده‌اند که نمونه‌ی بارز آن در دانشگاه تهران؛ دانشکده‌های علوم و فنون نوین، کارآفرینی و مطالعات جهان هستند. سکوت و دادن باج‌های کلان از طرف مدیران دانشگاه که در واقع هم‌دست و جاده‌صاف‌کن این گروه‌ها هستند به این روند شتاب بیشتری داده است و نتیجه‌ی آن جز تبدیل دانشگاه به بازوی این نهادها و گروه‌های سیاسی و نظامی نخواهد بود.

آنچه ما را واداشت که صریح و بی‌پرده، مردم و افکار عمومی را خطاب قرار دهیم، دردها و مصائبی است که بی‌امان بر سر ما آوار کرده‌اند و هر بار در جواب حق‌طلبی ما، یا تهدید کرده‌اند یا وعده داده‌اند. اکنون این خلف وعده‌ها و تهدیدها ما را به ستوه آورده است. این چنین است که به نزد شما به دادخواهی آمده‌ایم.

به‌واقع، پیامدها و مراتب این وضعیت وخیم‌تر از آن است که صاحب‌نظران تصور می‌کنند. ما از درون دانشگاهی با شما سخن می‌گوییم که اکنون تبدیل به یک بنگاه تجاری شده است. تمام امکانات دانشگاه که می‌بایست به‌صورت برابر در اختیار همگان باشد، به بهانه‌هایی همچون افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها، مشمول خصوصی‌سازی افسارگسیخته و کالایی‌شدن شده است.

در حالی که این کار جز فشار مضاعف اقتصادی و سلب امکانات از دانشجو تا کنون پیامد دیگری نداشته است. ما همچون کارگران که بیرون از دانشگاه از بنیادی‌ترین حقوق خود یعنی بهداشت، آموزش و مسکن همگانی محروم شده‌اند، در درون دانشگاه از ستم مضاعفی رنج می‌بریم. هرگز تاب نمی‌آوریم که امروز از محل مالیات مردم، کیف پول الکترونیک بانک فخمیهی تجارت شارژ شود و فردا از جیب ما دانشجویان.

ما هشدار می‌دهیم انحلال و سرکوب نهادهای مستقل دانشجویی همچون شورای صنفی مرکزی که تلاش‌ها برای احیای آن تا امروز به بن‌بست رسیده است، نتایج نامطلوبی دارد. رشد تشکل‌های قدرت‌ساخته که هیچ ارتباطی با بدنه‌ی دانشجویی و مشکلات آنها ندارند، یکی از آن نتایج نامطلوب است. دخیل‌نبودن دانشجویان در روند برنامه‌ریزی‌های کلان دانشگاه و عدم نظارت آنان بر طرح‌هایی که سرنوشت آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، پیامد دردناک این رفتار دانشجویستیز است. ما خواهان آن هستیم که شکل‌گیری و تصویب آیین‌نامه‌ی تشکل‌های دانشجویی باید با حضور و هم‌فکری مستقیم دانشجویان باشد، نه اینکه این آیین‌نامه‌ها در اتاق‌های دربسته و بدون مشورت دانشجویان نوشته و تصویب شوند.

ما هشدار می‌دهیم واگذاری امکانات و اموال دانشگاه نظیر تأسیسات، اینترنت، فضای سبز، سالن‌های ورزشی و سرویس‌های ایاب و ذهاب به پیمان‌کاران معلوم الحال در راستای کالایی‌کردن آموزش است و دست‌اندرکاران این خیانت بزرگ که عناوین مسئول و مدیر را دارند، با نوع مدیریت‌شان دسترسی به حداقل‌های زندگی را برای ما محدود می‌کنند. ما هشدار می‌دهیم راه‌اندازی و گسترش پردیس‌های بین‌الملل که در حال تسخیر فضای آموزش عالی کشور و دانشگاه‌های دولتی است، نتیجه‌ای جز تبدیل دانشگاه به بازار آزاد خرید و فروش مدارک دانشگاهی ندارد. این روند باعث افزایش مدرک‌دارهای بی‌تخصص می‌شود که اکثر آنها از طبقات بالای جامعه و احتمالاً آقازاده‌های آینده‌ی کشور هستند.

ما هشدار می‌دهیم این صحنه‌آرایی خطرناک و روابط غیرشفاف بین مدیران باعث تضییع حقوق مردم و تاراج بیت‌المال می‌شود. نمود این روابط را می‌توان در تخلفات مالی

گسترده‌ای دید که یکی از موارد آن هزینه‌های خلاف قانون و آیین‌نامه‌ی صندوق رفاه است که از دانشجویان دریافت شده است. مورد دیگر آن زمین‌خواری‌های بزرگ از کوی دانشگاه به نفع پردیس دانشکده‌های فنی است. این روند نتیجه‌ای جز نابودی و تصرف هست و نیست دانشگاه و خوابگاه و ایجاد جو بی‌اعتمادی وسیع علیه مدیران و مسئولان دانشگاه ندارد.

ما هشدار می‌دهیم بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که با توجیحات و دلایل غیر کارشناسی مسئولین وزارت علوم در حال انجام است، پیامدهای ناگواری دارد. این دلایل که نه، این بهانه‌ها همچون افت تحصیلی دانشجویان خوابگاهی و جلوگیری از مهاجرت‌های درون‌کشوری در واقع چیزی نیست جز شانه خالی کردن دولت از انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود و باعث ایجاد شکاف عمیق بین شهرستان‌ها و مرکز می‌شود.

ما هشدار می‌دهیم امنیتی کردن فضای دانشگاه و برخوردهای شدید با فعالان دانشجویی باعث ایجاد سرخوردگی و ناامیدی در بین دانشجویان و خانواده‌های آنان می‌شود. این سرخوردگی و ناامیدی و تضعیف نهادهای دانشجویی توسط کمیته‌ی انضباطی منجر به حذف شدن صدای دانشجو خواهد شد. آیا کمیته‌ی انضباطی در کنار احضار و تهدید دانشجویان و خانواده‌هایشان نسبت به برخوردهای فیزیکی یکی از اساتید دانشکده ادبیات و معاونت اداری مالی کوی دانشگاه با دانشجویان، عکس‌العملی داشته است؟

ما هشدار می‌دهیم تبعیض مضاعف بر زنان و دختران دانشگاه باعث سرخوردگی و ایجاد شکاف جنسیتی می‌شود. این تبعیض شامل محدود کردن بی‌منطق ساعت‌های رفت و آمد، فشارهای مضاعف حراست و کمیته‌ی انضباطی، محدودیت‌های اجتماعی و کنترل شدید آزادی‌های فردی و حتی موارد بدیهی مثل امکانات رفاهی ضعیف‌تر نسبت به دانشجویان پسر می‌شود. دختران خوابگاهی از امکاناتی همچون اینترنت، آب گرم، فضای بدون محدودیت برای استراحت و ده‌ها مورد ریز و درشت دیگر محروم هستند.

ما هشدار می‌دهیم محدود کردن فعالیت‌های فرهنگی و کارشکنی پی‌درپی در فعالیت این کانون‌ها نتیجه‌ای جز زدن آخرین تیر بر جسم نحیف فرهنگ و هنر ندارد. عدم ایجاد

امکانات مناسب برای امور فرهنگی و هنری و حتی استفاده نکردن از امکانات موجود و بهانه‌تراشی‌های متعدد در دادن مجوز برای برنامه‌های فرهنگی، از دردهای بی‌شمار این بخش از زندگی دانشجویان است.

ما هشدار می‌دهیم وضعیت اسفباری که دانشجویان معلول و نابینا در آن به سر می‌برند، باعث انزوای هرچه بیشتر این عزیزان خواهد شد. تخصیص کمترین امکانات آموزشی و رفاهی و عدم حمایت و دستگیری از طرف مسئولین، نتیجه‌ای جز محرومیت مضاعف و آسیب‌پذیری تحصیلی و اجتماعی بیشتر این قشر نخواهد داشت.

ما هشدار می‌دهیم محدودیت‌هایی که بر دانشجویان متأهل تحمیل می‌شود، پیامدهای اجتماعی ناگواری دارد. امکانات اسفبار خوابگاهی، کاهش ظرفیت خوابگاه‌های متاهلی، اخذ هزینه‌های گزاف برای تعمیرات خوابگاه از دانشجویان و انواع و اقسام تبعیض‌ها که بر این دانشجویان روا داشته می‌شود، نتیجه‌ای جز تزلزل روابط خانوادگی و افزایش نرخ طلاق در بین دانشجویان نخواهد داشت. این رویه خلاف شعارهای همیشگی مسئولان در مورد تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده است و متأسفانه خود مانعی در برابر آن می‌باشد.

ما دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران؛ خواهان پاسخگویی صریح شخص رئیس دانشگاه، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزیر آموزش و پرورش در مورد مسائل فوق هستیم و تا حل کامل تمامی مسائل دست از مطالبات به حقمان نخواهیم کشید.

«دانشگاه ملک شخصی کسی نیست و باید برای همگان باقی بماند».

دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران - شانزدهم آذر سال نودوچهار

## بیانیه‌ی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در حمایت از پژوهش‌گران و علوم اجتماعی متعهد

ما مصمم هستیم با تمام وجود از پژوهش‌گران و علوم اجتماعی متعهد دفاع کنیم و به باور ما بخشی از این مسیر افشای ماهیت علوم اجتماعی وابسته است.

نمایندگان محترم مجلس و اعضای هیئت دولت!

همان‌طور که در متن پیوست آمده، با مضروب‌شدن آقای سعید مدنی در زندان، دور جدیدی از سرکوب پژوهش‌گران علوم اجتماعی آغاز شده است. این اتفاق امر غریبی نیست. در سال‌های گذشته هر جا که پژوهش‌های اجتماعی به سمت بیان حقیقت رفته‌اند با ارباب و تهدید از پژوهش‌گران تقدیر به عمل آمده است. در شرایطی که علوم اجتماعی و تحقیقات صورت گرفته در آن مبنای بسیاری از تصمیمات و قانون‌گذاری‌های شماسست، تداوم این اوضاع به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. زیرا تلویحاً این معنا را می‌رساند که علوم اجتماعی فقط در صورت دروغ‌گویی مورد قبول اصحاب قدرت قرار می‌گیرد و در صورت حقیقت‌گویی زیر ضرب خواهد رفت. تنها معنای سکوت شما در برابر این قضایا این است که تصمیم‌سازی‌ها ربطی به حقیقت امور و شرایط اجتماعی کشور عزیزمان ندارد. از این رو، ما شما را موظف می‌دانیم که با تمام ابزارهای قانونی ممکن، از سرکوب و زیر ضرب رفتن پژوهش‌گران حقیقت‌جو جلوگیری کنید.

اساتید و پژوهش‌گران محترم علوم اجتماعی!

در چنین وضعیتی، کوچک‌ترین توقعی که می‌توان از اساتید علوم اجتماعی و پژوهش‌گران داشت این است که در واکنش به حبس و ضرب‌وشتم یکی از شریف‌ترین و متعهدترین همکاران خود، دست به تحریم پروژه‌های پژوهشی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی بزنند تا بلکه بدنه‌ی مجلس و دولت به‌عنوان کارفرمایان علوم اجتماعی به وظایف خود عمل کنند. شکی

نیست وقتی پژوهش‌گران متعهدی چون سعید مدنی، برای بیان نتایج تحقیقات علمی خود، از سوی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی امنیت ندارند، انجام پژوهش برای این نهادها، زیر پا گذاشتن استقلال علوم اجتماعی و تن دادن به تضعیف روزافزون آن است.

دانشجویان علوم اجتماعی!

امثال سعید مدنی و یاشار دارالشفاء - دانش‌آموخته‌ی برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و زندانی بند ۳۵۰ اوین - الگوی پژوهش‌گری انتقادی و متعهد در مسائل اجتماعی هستند. سکوت در برابر دستگیری و ضرب‌وشتم چنین چهره‌هایی در زندان، مجال دادن به فضای ناامنی است که بر علوم اجتماعی متعهد و انتقادی چنبره زده است؛ فضایی که یا روزی گریبان همه‌ی ما را می‌گیرد، یا از ما پژوهش‌گرانی خنثی، بی‌دغدغه و بی‌تعهد به حقیقت می‌سازد. اگر بتوان شرایطی امن و آزاد برای ما دانشجویان امروز و پژوهش‌گران فردای علوم اجتماعی تصور کرد، این شرایط محقق نمی‌شود، مگر از خلال کنش جمعی علیه برخوردهای امنیتی با علوم اجتماعی.

ما دانشجویان علوم اجتماعی، علاوه بر این که حملات اخیر را به‌عنوان حمله به زندانیانی «بی‌گناه» محکوم می‌کنیم، آن را هجوم به کیان علوم اجتماعی متعهد و انتقادی نیز می‌دانیم. از این رو، پیش از هر چیز از اساتید و اصحاب علوم اجتماعی می‌خواهیم با تعلیق پروژه‌های دردست‌اقدام و امتناع از پذیرش پروژه‌های جدید واکنشی درخور به این فاجعه نشان دهند و توجه مسئولین ذی‌ربط را به بلایی که همواره در انتظار پژوهش‌گران مستقل و حقیقت‌جو است، جلب کنند.

دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران / پانزدهم آذر ۱۳۹۴

(این بیانیه در مراسم ۱۵ آذر با حضور جمع کثیری از دانشجویان خوانده شد. تا آن زمان بیش از ۲۰۰ دانشجو با امضای بیانیه حمایت خود را از این حرکت اعلام کردند).

\* پیوست: در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۷ سعید مدنی پژوهش‌گر اجتماعی، به ضرب چاقو در زندان مصدوم شد. پس از پخش خبر شاهد واکنش‌های عجیبی بودیم.

کسانی بودند که مساله را به ارادل و اوباش زندان خلاصه کردند: آنان دشمنی دیرینه‌ی خود را با اқشار آسیب‌پذیر آشکار ساختند. کسانی بودند که مساله را تا حد بی‌کفایتی مسئولان زندان پایین آوردند. آنان آشکار ساختند که می‌توانند چه زندانبان‌های باکفایتی باشند. کسانی هم بودند که از این خبر کارت دعوتی برای مداخله بشردوستانه ساختند. آنان نشان دادند درک و دریافت‌شان از بشردوستی چیست. از آنان که چاقو را مقصر می‌دانند، انتظاری نمی‌رود. بگذار چاقویی ابداع کنند که نبرد.

ما امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم دستی که سعید مدنی را در زندان می‌زند، از آستین ارادل و اوباش بیرون نمی‌آید. اگر می‌خواهید بدانید چه کسی زبان سرخ حقیقت را می‌برد، باید نخست ببینید چه کسانی بر سر علوم اجتماعی وابسته و توجیه‌گر دست نوازش می‌کشند. باید ببینید پول‌های چند میلیونی که در ازای پروژه‌های سفارشی دست به دست می‌شوند، چگونه حتی نتایج تحقیقات اجتماعی را از پیش معلوم می‌کنند. بدیهی است نمی‌توان هم از این فرآیند دفاع کرد و هم قربانی آن را تکریم نمود.

سعید مدنی، فعال و پژوهشگر اجتماعی، از برجسته‌ترین چهره‌های علوم اجتماعی متعهد است. او در پژوهش‌های ارزنده‌ی خود در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی -از جمله روسپی‌گری، کودک‌آزاری و اعتیاد- دست بر نقاطی گذاشته که نشان از خلل‌های ساختاری عمیقی در جامعه‌ی ایران دارند. یاشار دارالشفاء نیز از دیگر چهره‌های علوم اجتماعی متعهد است. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد او در نقد ایدئولوژی برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه، بی‌شک اثری جدی در حیطه‌ی علوم اجتماعی انتقادی و معطوف به مسائل جامعه‌ی ایران است. این دو فقط نمونه‌هایی از پژوهش‌گران در بند هستند، اشخاص متعهد و حقیقت‌مداری که اگر امکان پژوهش و فعالیت آزادانه را داشتند، می‌توانستند بیش‌ترین خدمت را به مردم -به‌ویژه فرودست‌ترین اقشار مردم- کنند.